



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری
دوره ۱۶ / شماره ۲ (پیاپی ۶۲) / تابستان ۱۴۰۶
صفحه ۴۴۹ تا ۴۷۰

تدوین مدل مدیریت ریسک در حوزه سرمایه‌گذاری شرکت‌های نوپا در بازار سرمایه با تاکید بر نقش مدیریت راهبردی در عصر جدید (روش: تحلیل مضمون)

فروغ ادیبان

گروه حسابداری، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران
Sadiban1400@gmail.com

رضا صیدخانی

گروه حسابداری، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول)
Rseidkhani@gmail.com

رحمت اله محمدی پور

گروه حسابداری، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران
rm.accounting2@gmail.com

فاطمه احمدی

گروه حسابداری، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران
Fatemehahmady60@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

چکیده

در دنیای پرتلاطم و رقابتی امروز، شرکت‌های نوپا بیش از هر زمان دیگر در معرض ریسک‌های متعدد قرار دارند که می‌توانند بقای آنان را تهدید کنند. از این رو هدف تدوین مدل مدیریت ریسک در حوزه سرمایه‌گذاری شرکت‌های نوپا در بازار سرمایه با تاکید بر نقش مدیریت راهبردی در عصر جدید است. روش: پژوهش حاضر با رویکردی کیفی و از نظر هدف جزو پژوهش‌های کاربردی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شد. خبرگان شامل اساتید هیئت‌علمی و همچنین مدیران ارشد شرکت‌های نوپا بودند و همچنین مصاحبه‌شوندگان شامل، ۱۷ نفر که به روش نمونه‌گیری هدفمند تا رسیدن به سطح اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته گردآوری شد. برای اطمینان از روایی و پایایی، یافته‌ها به تایید مصاحبه‌شوندگان رسید. به منظور تحلیل داده‌ها نیز از روش براون و کلارک با نرم افزار مکس کیودا انجام گردید. یافته‌ها: حاصل از تحلیل مصاحبه شامل ۷۲ مضمون اولیه، ۱۵ مضمون پایه، ۶ مضمون سازمان دهنده و ۱ مضمون فراگیر شناسایی شدند. که شامل ریسک مالی و سرمایه‌گذاری، ریسک‌های فناورانه و نوآورانه، ریسک‌های حقوقی، نظارتی و مالکیت فکری، ریسک‌های عملیاتی و زنجیره تأمین، ریسک‌های بازار، رقابت و برند، حاکمیت شرکتی و راهبردی استراتژیک، ریسک‌های محیط کلان و اجتماعی، ریسک‌های انسانی و منابع انسانی است نتایج: این مدل می‌تواند به عنوان چارچوبی کاربردی در اختیار سرمایه‌گذاران، نهادهای مالی و سیاست‌گذاران برای ارتقاء کیفیت تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری در حوزه نوآفرینی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: مدیریت ریسک، شرکت‌های نوپا، بازار سرمایه، مدیریت راهبردی، تحلیل مضمون.

۱- مقدمه

شرایط نامطمئن اقتصادی چند سال گذشته تأثیر عمده‌ای بر نحوه عملکرد شرکت‌ها در این روزها داشته است. شرکت‌هایی که قبلاً با کمک پیش‌بینی‌ها به آرامی کار می‌کردند، اکنون از قضاوت‌های تجاری خودداری می‌کنند. اکنون شرکت‌ها به منظور برون رفت از این وضعیت و مقابله با چالش‌های پیش‌رو از مفهومی به نام مدیریت ریسک بهره می‌برند. ریسک عامل اصلی عدم اطمینان در هر سازمانی است (بیلیالوف^۱، ۲۰۲۲). بنابراین، شرکت‌ها به طور فزاینده‌ای بر شناسایی ریسک‌ها و مدیریت آن‌ها قبل از اینکه حتی بر تجارت تأثیر بگذارند، تمرکز می‌کنند. توانایی مدیریت ریسک به شرکت‌ها کمک می‌کند تا در تصمیمات تجاری آتی با اطمینان بیشتری عمل کنند. آگاهی آن‌ها از خطراتی که با آن روبرو هستند، گزینه‌های مختلفی را در مورد نحوه برخورد با مشکلات احتمالی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (پوکالا^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

مدیریت ریسک شامل شناسایی، تجزیه و تحلیل و پاسخ به عوامل خطر است که بخشی از زندگی یک کسب‌وکار را تشکیل می‌دهند. مدیریت ریسک موثر به معنای تلاش برای کنترل، تا حد امکان، نتایج آینده با اقدام پیشگیرانه و نه واکنشی است. بنابراین، مدیریت ریسک مؤثر این پتانسیل را ارائه می‌دهد که هم احتمال وقوع یک ریسک و هم تأثیر بالقوه آن را کاهش می‌دهد (کوبوکیکو^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). ساختارهای مدیریت ریسک به گونه‌ای طراحی شده‌اند که چیزی بیش از اشاره به ریسک‌های موجود انجام دهند. یک ساختار مدیریت ریسک خوب همچنین باید عدم قطعیت‌ها را محاسبه کرده و تأثیر آنها را بر یک تجارت پیش‌بینی کند. در نتیجه، نتیجه انتخاب بین پذیرش ریسک یا رد آن‌ها است. پذیرش یا رد ریسک‌ها بستگی به سطوح تحملی دارد که یک کسب‌وکار قبلاً برای خود تعریف کرده است. اگر یک کسب‌وکار مدیریت ریسک را به‌عنوان یک فرآیند منظم و مستمر به منظور شناسایی و حل ریسک‌ها راه‌اندازی کند، ساختارهای مدیریت ریسک می‌تواند برای حمایت از سایر سیستم‌های کاهش ریسک مورد استفاده قرار گیرد. آن‌ها شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی، کنترل هزینه و بودجه‌بندی هستند. در چنین حالتی، کسب‌وکار معمولاً شگفتی‌های زیادی را تجربه نمی‌کند، زیرا تمرکز بر مدیریت ریسک فعال است (نادعلی^۴ و همکاران، ۲۰۱۸).

مدیریت ریسک فرآیند مهمی است زیرا با ابزارهای لازم یک کسب‌وکار را توانمند می‌کند تا بتواند به اندازه کافی ریسک‌های احتمالی را شناسایی کرده و با آنها مقابله کند. هنگامی که یک خطر شناسایی شد، کاهش آن آسان است. علاوه بر این، مدیریت ریسک مبنایی را برای کسب‌وکار فراهم می‌کند که بر اساس آن بتواند تصمیم‌گیری صحیحی را اتخاذ کند (راتی^۵، ۲۰۱۹). برای یک کسب‌وکار، ارزیابی و مدیریت ریسک بهترین راه برای آماده‌شدن برای احتمالاتی است که ممکن است در مسیر پیشرفت و رشد قرار گیرند. هنگامی که یک کسب‌وکار برنامه خود را برای مدیریت تهدیدات بالقوه ارزیابی می‌کند و سپس ساختارهایی را برای مقابله با آنها ایجاد می‌کند،

1. Bielialov
2. Pukala
3. Cubukcu
4. Nadali
5. Rätty

شانس خود را برای تبدیل شدن به یک نهاد موفق افزایش می دهد. علاوه بر این، مدیریت ریسک پیشرونده تضمین می کند که با ریسک های دارای اولویت بالا تا حد امکان به شدت برخورد می شود. علاوه بر این، مدیریت اطلاعات لازم را خواهد داشت که می تواند از آن ها برای تصمیم گیری آگاهانه و اطمینان از سودآوری کسب و کار استفاده کند (پولیشاک^۱ و همکاران، ۲۰۱۹). با توجه به شدت روز افزون تغییرات؛ مدیران باید برای حفظ مزیت های رقابتی سازمان خود با ایجاد انعطاف پذیری در محیط درون سازمانی به بهترین وجه به ایجاد تغییرات مناسب راهبردها و عوامل درون سازمان همت گمارده و سازمان را با شرایط و خواسته های متغییر محیطی انطباق دهند. یکی از مهم ترین ابزارهای پژوهش این امر مدیریت راهبردی است. ایجاد و پیاده سازی مدیریت راهبردی در سازمان متأثر از عوامل مختلفی است (بنتلی و کوهه، ۲۰۲۰). تغییر و تحولات محیطی در زمینه های مختلف نظیر تکنوزی؛ فضای رقابتی و سیاست های اقتصادی دولت ها؛ ضرورت تغییر و تطبیق سازمان ها را برای بقا و تعالی ایجاد می کند، در محیط های که تغییر وجود دارد؛ شرکت هایی که با رقابت روبرو هستند نیز باید تغییر کنند. سرعت زیاد تغییرات محیطی در دوران حاضر؛ مدیریت راهبردی را به اصلی ترین منشا مزیت رقابتی؛ خصوصاً در بازار های سریع التعمیر؛ مبدل کرده است مدیریت راهبردی را می توان به اختصار تغییرات اساسی در ساختار؛ فرآیند ها و فرهنگ سازمانی دانست به طوری که تناسب بیشتری از حیث منابع و ارزش آفرینی میان سازمان و محیط فراهم آید (آدنچی و همکاران، ۲۰۱۸). در این میان هماهنگی میان راهبرد منابع انسانی و روش های تصمیم گیری اخلاقی نیز می تواند آثار مثبتی بر عملکرد آن داشت باشد. در ادبیات مدیریت سه الگوی هماهنگی مطرح شده است: الگوی عقلایی؛ الگوی طبیعی و الگوی همه جانبه یا نقاط مرجع راهبردی سازمان ها می توانند با تعیین وضعیت سبب به نقاط مرجع راهبردی به انتخاب راهبرد مناسب اقدام نمایند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸).

خطر می تواند از منابع داخلی و خارجی ناشی شود. ریسک های خارجی آن هایی هستند که مستقیماً تحت کنترل مدیریت نیستند. از جمله مسائل سیاسی، نرخ ارز، نرخ بهره و غیره. از سوی دیگر، خطرات داخلی شامل عدم انطباق یا نقض اطلاعات، در میان چندین مورد دیگر است. بر این اساس، مدیریت ریسک در یک سازمان مهم است زیرا بدون آن، یک شرکت نمی تواند اهداف خود را برای آینده تعریف کند. اگر یک شرکت اهدافی را بدون در نظر گرفتن ریسک ها تعریف کند، این احتمال وجود دارد که به محض رسیدن هر یک از این ریسک ها، مسیر خود را از دست بدهند (پراچ^۲ و همکاران، ۲۰۱۶).

در سال های اخیر، بسیاری از شرکت ها بخش های مدیریت ریسک را به تیم خود اضافه کرده اند. نقش این تیم شناسایی ریسک ها، ارائه استراتژی هایی برای محافظت در برابر این ریسک ها، اجرای این استراتژی ها و ایجاد انگیزه در تمام اعضای شرکت برای همکاری در این استراتژی ها است. سازمان های بزرگ تر معمولاً با خطرات بیشتری مواجه هستند، بنابراین استراتژی های مدیریت ریسک آن ها نیز باید پیچیده تر باشد (دیویس و ریچارد^۳، ۲۰۱۸). همچنین، تیم مدیریت ریسک مسئول ارزیابی هر ریسک و تعیین اینکه کدام یک از آن ها برای کسب و کار حیاتی هستند، می باشد. ریسک های مهم آن هایی هستند که می توانند تأثیر نامطلوبی بر کسب و کار داشته باشند. سپس

1 . Polishchuk
2 . Proksch
3 . Davis and Richard

باید به این موارد اهمیت داده شود و باید اولویت‌بندی شوند. تمام هدف مدیریت ریسک این است که اطمینان حاصل شود که شرکت فقط ریسک‌هایی را متحمل می‌شود که به آن کمک می‌کند تا به اهداف اصلی خود دست یابد و در عین حال سایر ریسک‌ها را تحت کنترل نگه دارد (باچنر^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). هر چند ریسک و چالش‌های ناشی از آن برای تمامی شرکت‌ها حائز اهمیت بوده و به عنوان دغدغه و مسئله اصلی مدیران و سیاستگذاران شرکت‌ها تبدیل شده است. اما در این بین، شرکت‌هایی هستند که به علت شرایط خود بیش از سایر شرکت‌ها تحت تاثیر این ریسک‌ها قرار دارند. مفهوم ریسک در شرکت‌های تازه تاسیس که به اصطلاح "نوپا" گفته می‌شود از اولویت بالاتری برخوردار است، چرا که این قبیل شرکت‌ها به تازگی وارد بازار تجارت شده و تجربه چندانی در این حوزه ندارند. به اهمیت علت خطرات درونی و بیرونی این قبیل شرکت‌ها را بیشتر از شرکت‌های باسابقه تحت تاثیر خود قرار می‌دهد (پروئنکا^۲ و همکاران، ۲۰۱۵).

همان گونه که از شرایط اقتصادی و اخبار روز جامعه ایران برمی‌آید، بازار سرمایه اصلی کشور که همان بورس اوراق بهادار است از اهمیت بالایی برای مردم برخوردار است، چرا که با بالاگرفتن روند سرمایه‌گذاری در این بازار در سال‌های اخیر و نوسانات بیشماری که این بازار سرمایه داشته است، توجه بسیاری را به سمت خود جلب نموده است. در این راستا شرکت‌های نوپایی که به تازگی در سال‌های اخیر وارد این بازار پرچالش شده‌اند، در تلاش خواهند بود تا بتوانند با اقدامات مدیریتی مناسب، خطرات یا ریسک‌های درونی و بخصوص بیرونی را از خود دور کرده تا علاوه بر حفظ ارزش سهام خود، بتوانند با رقبای خود در این بازار به رقابت پرداخته و گوی سبقت را از آنان بریابند. به همین علت پرداختن به مفهوم مدیریت ریسک در این قبیل شرکت‌ها از اهمیت والایی برخوردار بوده و به دغدغه و مسئله اصلی این مطالعه نیز تبدیل شده است.

بررسی‌های انجام گرفته در مطالعات موجود نشان می‌دهد که مفهوم مدیریت ریسک در ارتباط با این شرکت‌ها مورد غفلت واقع شده و کمتر مطالعه‌ای به بررسی مدیریت ریسک در این قبیل شرکت‌ها پرداخته است که این امر مشکلات زیادی را به همراه داشته است (باورز و خوراکیان^۳، ۲۰۱۴). بر این اساس طراحی مدلی از مدیریت ریسک در شرکت‌های نوپا که بتواند با رویکردی راهبردی یا استراتژیک، جنبه‌های مختلف ریسک را شناسایی نموده و بتواند الگویی عملیاتی را در اختیار این شرکت‌ها قرار دهد، بدون شک خواهد توانست بسیاری از مشکلات و خطرات پیش‌روی این شرکت‌ها را برطرف نماید و در نهایت منافع بیشماری را نصیب این شرکت‌ها نماید. در معنای کلی، مدیریت راهبردی عبارت است از برنامه‌ریزی، مانیتورینگ (پایش)، آنالیز و ارزیابی مستمر تمام الزاماتی که سازمان‌ها باید برای تحقق اهداف و مقاصدشان رعایت کنند (فرهاث^۴ و همکاران، ۲۰۱۷). تغییر در محیط‌های کاری و تجاری، سازمان‌ها را ملزم کرده تا همواره راهبرد خود برای رسیدن به موفقیت را ارزیابی کنند. فرآیند مدیریت راهبردی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا شرایط کنونی‌شان را در نظر بگیرند، راهبردها را مشخص و استفاده کنند و کارایی راهبردهای مدیریتی اجرا شده را، بررسی کنند. سازمان‌ها به واسطه داشتن فرآیند تعریف شده‌ای

1. Buchner
2. Proenca
3. Bowers and Khorakian
4. Farhat

برای مدیریت راهبردی نهاد خود تصمیمات منطقی اتخاذ کرده و اهداف تازه را به سرعت توسعه می دهند تا با فناوری جدید، شرایط کسب و کار و بازار خود همسو و همراه شوند. در نتیجه، مدیریت راهبردی به سازمان ها کمک کرده تا مزیت رقابتی بدست بیاورند، سهام بازار را بهبود ببخشند و برای آینده شان برنامه ریزی کنند. تاکید و توجه به خصوصیات و ویژگی های مدیریت راهبردی آن هم در عصر حاضر خواهد توانست فرآیندهای مدیریت ریسک را در شرکت ها با اثربخشی بیشتری همراه سازد، چرا که تمامی جنبه های یک سازمان را مورد توجه قرار می دهد. مدیریت راهبردی براساس درک روشنی از رسالت سازمان؛ چشم انداز آینده اش؛ و ارزش های تعیین کننده اقداماتش شکل می گیرد. این فرآیند مستلزم تعهد به برنامه ریزی راهبردی است که خود زیرمجموعه مدیریت کسب و کار محسوب می شود و شامل توانایی سازمان برای تعیین اهداف کوتاه مدت و بلندمدت می شود. برنامه ریزی راهبردی دربرگیرنده برنامه ریزی تصمیمات راهبردی، فعالیت ها و تخصیص منابع مورد نیاز برای تحقق این اهداف است.

در مجموع بنا بر مطالب بیان شده، مطالعه حاضر در پی یافتن پاسخی مناسب برای این سوال خواهد بود که "مدل مدیریت ریسک در حوزه سرمایه گذاری شرکت های نوپا در بازار سرمایه با تاکید بر نقش مدیریت راهبردی در عصر جدید کدام است؟"

پیشینه تحقیقات

سیلوا و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی ترسیم ریسک های پیش روی سرمایه گذاران استارت آپ: رویکردی بر اساس الگوریتم پیشین پرداختند. این مقاله رابطه وابستگی بین ریسک هایی که سرمایه گذاران نوپا با آن مواجه هستند را ترسیم و تأیید می کند. بنابراین، یک مرور سیستماتیک از ۳۳ مقاله و یک متاآنالیز با استفاده از الگوریتم پیشین استفاده شد. ما ۱۴ ریسک سرمایه گذاری را که سرمایه گذاران استارت آپ با آن مواجه هستند ترسیم کردیم و آن ها را به چهار بعد طبقه بندی کردیم: خارجی، داخلی، انسانی و سرمایه. علاوه بر این، با استفاده از گوریتم پیشین، روابط وابستگی بین ۹ ریسک سرمایه گذاری مشاهده شد. این تحقیق شکاف مربوط به عدم ساختار یک رویکرد جامع به ریسک های سرمایه گذاری که سرمایه گذاران استارت آپ با آن مواجه هستند را پر می کند. علاوه بر این، بررسی جامع و بحث در مورد ارتباط بین ریسک های سرمایه گذاری، مبنای نظری سرمایه گذاری استارت آپ ها را بر اساس تحلیل ریسک های ذاتی این فعالیت فراهم می کند.

شربان و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی سرمایه گذاری یا عدم سرمایه گذاری: فرآیند تصمیم گیری سرمایه گذاری استارت آپ پرداختند. این مقاله پنج مرحله مربوط به تامین مالی برای یک کسب و کار نوپا را مورد بحث قرار می دهد. مرحله اول شامل تجزیه و تحلیل بازار برای تعیین توسعه بالقوه، از جمله برآورد بازار آدرس پذیر، تجزیه و تحلیل محیط رقابتی با استفاده از ابزارهایی مانند مدل پنج نیرو، و شناسایی مشتری و/یا مصرف کننده ایده آل است. بخش دوم بر مدل کسب و کار متمرکز است، که شامل تعیین اینکه محصول مبتنی بر فناوری است یا

1 Silva et al
2 SERBAN et al

خدمات، و انجام توصیف محصول، تخمین عددی، و تعریف بعد فناوری است. بخش سوم استراتژی رشد شامل شناسایی مزیت‌های رقابتی و تهیه نقشه راه را تشریح می‌کند. با مشخصات تجاری و فنی اصلی که در آینده توسعه خواهد یافت. مرحله چهارم شامل تعیین میزان سرمایه‌گذاری مورد نیاز و نحوه استفاده از وجوه است. ارزیابی راه اندازی گامی مهم در این فرآیند است. این مقاله دو اصل اساسی را برای ارزیابی مشخص می‌کند، یعنی اینکه در ابتدای راه‌اندازی، روش‌های ارزیابی پیچیده‌تر هستند، و از آنجایی که شرکت‌های نوپا در بورس فهرست نشده‌اند، ارزیابی کاملاً ذهنی و یک فرآیند مذاکره مستمر است. مرحله آخر شامل حسابرسی وضعیت موجود برای تعیین اینکه آیا شرکت دارای ریسک‌های قانونی یا مالی است و اینکه آیا تامین مالی می‌تواند انجام شود یا خیر، است.

بیلیالوف^۱ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای به بررسی مدیریت ریسک در شرکت‌های نوپا به منظور تولید نوآورانه پرداخت. هدف این مقاله نوسازی فرآیند ترویج محصولات نوآورانه در بازار در قالب استارت‌آپ‌ها با در نظر گرفتن روندهای توسعه نوآورانه اقتصاد مدرن است. رویکردهای موقعیتی و طراحی؛ روش‌های شبیه‌سازی و مدل‌سازی ساختاری عملکردی برای تعیین تقاضای بالقوه بازار برای محصولات نوآورانه و برنامه‌ریزی فرآیند ارتقای آن‌ها به بازار؛ و نماد BPMN برای رسمی کردن پیوندهای یکپارچه‌سازی بین بازیگران در فرآیند ترویج محصولات نوآورانه در بازار. در نتیجه، طرحی برای ارزیابی کارایی اقتصادی مدیریت فرآیند ارتقای بازار محصول نوآورانه ایجاد شد که چندین شاخص را در هر مرحله از فرآیند نوآوری مرتب می‌کند، که به فرد اجازه می‌دهد ضمن کاهش هزینه، وضوح و کامل بودن مدیریت فرآیند ارتقاء را افزایش دهد. سیستم مدیریت ریسک محصولات نوآورانه با استفاده از مثالی از تبلیغ استارت آپ نوآورانه Hideez Technology Ltd در بازار اروپا و ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفته است. این امر به شرکت اجازه داده است تا از اجرای نتایج به صورت اقتصادی به ۲۰۰۰۰ دلار برسد. در پایان، توالی اقدامات برای تصمیم‌گیری مدیریت در طول اجرای استراتژی مدیریت فرآیند ارتقای محصول نوآورانه تعریف شد. حیدرزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به ارائه الگوی مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال پرداختند. این پژوهش با انتخاب روش تحقیق گراند-تئوری و مرور ادبیات، به تبیین و توسعه مدل مفهومی مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال می‌پردازد. در گام اول به بررسی جامع مدل‌های مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال پرداخته و پس از نمایان شدن شکاف‌های متعدد بین مؤلفه‌های پژوهش جاری، گام دوم را آغاز کرد، محقق با خبرگان حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری در صنعت بانکداری مصاحبه‌هایی را انجام داد. پس از کدگذاری مصاحبه‌ها، بر پایه مفاهیم تدوین شده، به ارائه مدل مفهومی مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال پرداخت. این مدل با توجه به برجسته‌بودن مؤلفه‌های پایش و ارزیابی مدیریت ریسک بانکداری دیجیتال کشور در توسعه کلان بین‌المللی، توسعه ملی، منطقه‌ای و همچنین الگو و شاخص شدن در کشور و منطقه، تبیین شده و باعث تدوین مدل مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال خواهد شد. با استفاده از روش خبره-فازی و توزیع پرسشنامه در سه مرحله، نظرات خبرگان در زمینه با اهمیت بودن شاخص‌های مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال، اجماع خبرگان و اولویت‌بندی شاخص‌های تحقیق بررسی شد. نتایج و یافته‌های پژوهش ارزیابی مدل مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال در صنعت بانکی کشور را ارائه می‌دهد.

1. Bellavitis

تقوا و همکاران (۱۴۰۰)، پژوهشی با عنوان طراحی الگویی برای توسعه راهبردهای پرورش مدیران ارشد شرکت‌های دانش‌بنیان را مورد بررسی قرار دادند. در سال‌های اخیر بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان کشور ایران در بازار رقابتی با ناکامی مواجه شده‌اند. یکی از علل اصلی این ناکامی ضعف مدیریتی آن‌ها است. با توجه به نقش ویژه مدیران ارشد در موفقیت شرکت‌های دانش‌بنیان، تاکنون به صورت علمی و روش‌مند الگویی برای پرورش مدیران ارشد این شرکت‌ها ارائه نشده است. این پژوهش با استفاده از رویکرد ترکیبی کارکرد-شایستگی الگویی برای شناسایی راهبردهای پرورش مدیران ارشد شرکت‌های دانش‌بنیان ارائه داده است. به این منظور، ابتدا مولفه‌های اصلی این الگو یعنی کارکردهای مدیریتی، شایستگی‌های مدیریتی و راه‌های توسعه هر شایستگی شناسایی گردید و سپس ارتباط میان آن‌ها از طریق اخذ و ادغام نظرات خبرگان مرتبط با حوزه دانش‌بنیان با استفاده از روش کپلند مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج این تحقیق، مدیران ارشد شرکت‌های دانش‌بنیان باید شش کار اصلی را انجام دهند که عبارتند از: برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی، تیم‌سازی و توانمندسازی تیم‌ها، راهبری کارآمد پرسنل، برانگیختن انگیزه کارکنان، ارزیابی روندهای تکنولوژی و برقراری ارتباط با خارج سازمان، و نظارت و کنترل عملکرد کارکنان. به منظور ارتقا عملکرد مدیریتی مدیران ارشد، مدل پیشنهادی این تحقیق برای هر یک از کارکردها پنج شایستگی ضروری و برای ارتقا هر یک از شایستگی‌ها دو راه توسعه پیشنهاد داده است.

سوری و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به طراحی مدل مدیریت ریسک کیفی محیطی در زنجیره تأمین بر عملکرد مالی و کیفی شرکت ایران خودرو پرداختند. تحقیق حاضر با رویکرد آمیخته و در دو فاز کیفی-کمی انجام گرفته است. نظر به اینکه هدف اصلی از انجام این تحقیق طراحی مدل مدیریت ریسک کیفی محیطی در زنجیره تأمین بر عملکرد مالی و کیفی شرکت ایران خودرو است، می‌توان گفت از نظر هدف در حیطه تحقیقات کاربردی می‌باشد و با توجه به اینکه در این تحقیق از روش‌های مطالعه کتابخانه‌ای و نیز روش‌های میدانی نظیر پرسشنامه استفاده شده است، می‌توان بیان کرد که بر اساس ماهیت و روش، یک تحقیق توصیفی-پیمایشی است. روش نمونه‌گیری در فاز کیفی به صورت گلوله برفی بوده و جامعه آماری در این بخش اسناد و سوابق بالادستی و مقالات و پایان‌نامه‌های مرتبط با این حوزه بودند که در پایان پس از شناسایی عوامل اولیه مرتبط با هر یک از متغیرها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای متنی، از نظرات ۱۵ نفر از خبرگان سازمانی و اساتید دانشگاهی به منظور انجام مصاحبه برای شناسایی عوامل نهایی و آزمون دلفی استفاده شد. در بخش کمی نیز با توجه به هدف تحقیق پیش‌رو؛ برای پاسخ به پرسشنامه‌های آماری به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۰۷ نفر به عنوان نمونه آماری در نظر گرفته شده که پرسشنامه بین آن‌ها توزیع شد. داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزارهای آماری SPSS-LISREL تجزیه و تحلیل شدند. نتایج تحقیق نشان داد؛ کنترل رسمی و کنترل اجتماعی از طریق توسعه تأمین‌کنندگان و فراخوان محصول، بر عملکرد کیفیت و عملکرد مالی شرکت ایران خودرو تاثیر مثبت دارند.

قادری و تاری وردی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به ارائه مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن در کنترل مؤثر ویژگی‌های سود شرکت پرداختند. در مطالعه حاضر مدل ریسک شرکت برآورد و اثربخشی آن بر ویژگی‌های سود شرکت مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و نمونه پژوهش با اعمال شرایط متغیرهای پژوهش به تعداد ۱۲۹ شرکت انتخاب شده است. برای

تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از تکنیک آماری رگرسیون داده‌های تابلویی استفاده شده است. در این تحقیق جهت اندازه‌گیری ویژگی‌های سود از سه معیار پایداری سود، به‌موقع بودن سود و محافظه‌کاری سود بهره گرفته شده است. بر اساس نتایج پژوهش حاضر، مدیریت ریسک سازمانی تأثیر معناداری بر ویژگی‌های سود ندارد.

با توجه به نظریه‌ها و مدل‌های موجود در حوزه مدیریت ریسک و سرمایه‌گذاری، همچنین بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی، مشخص می‌گردد که علی‌رغم انجام تحقیقات متعددی در زمینه ارزیابی ریسک سرمایه‌گذاری، همچنان الگوی جامعی که به طور خاص به تبیین مدیریت ریسک در شرکت‌های نوپا، متناسب با الزامات و پیچیدگی‌های بازار سرمایه در عصر جدید پردازد، ارائه نشده است. اغلب پژوهش‌ها یا به‌صورت مفهومی و عمومی به مباحث ریسک پرداخته‌اند یا صرفاً بر متغیرهای مالی و اقتصادی تمرکز داشته‌اند، بدون آن‌که چارچوبی منسجم و بومی شده برای شرایط خاص شرکت‌های نوپا در بستر محیط‌های پرتلاطم و دیجیتال امروزین ارائه دهند. در واقع، یکی از مهم‌ترین خلأهای تحقیقاتی موجود، فقدان مدل‌هایی جامع و کاربردی از مدیریت ریسک در حوزه سرمایه‌گذاری است که نقش تعیین‌کننده مدیریت راهبردی را در مواجهه با عدم قطعیت‌های محیطی، فناوری‌های نوین، و چالش‌های ساختاری شرکت‌های نوپا در نظر گرفته باشد. همچنین، بررسی‌ها نشان می‌دهد که در معدود مطالعات انجام شده در این زمینه، بیشتر از روش‌های سنتی کمی یا کیفی استفاده شده و کمتر پژوهشی به‌صورت عمیق و با رویکرد تحلیل مضمون به استخراج ابعاد بومی شده و چندبعدی مدیریت ریسک در شرکت‌های نوپا پرداخته است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون، مدلی جامع، کاربردی و متناسب با ویژگی‌های شرکت‌های نوپای فعال در بازار سرمایه طراحی نماید و از این طریق نقش کلیدی مدیریت راهبردی را در مواجهه با ریسک‌های پیچیده و نوظهور در عصر دیجیتال مورد تبیین و تحلیل قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش که از نظر هدف توسعه‌ای است با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام شده است. روش تحلیل مضمون که با عناوین دیگری نظیر تحلیل موضوعی و تحلیل تماتیک نیز شناخته می‌شود، یکی از روش‌های متداول تحلیل محتوا و روشی برای تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه است که مهارت‌های اساسی مورد نیاز برای بسیاری تحلیل‌های کیفی دیگر را نیز فراهم می‌آورد (براون^۱ و همکاران، ۲۰۰۶). روش‌های رایج در تحلیل مضمون شامل قالب، مضامین ماتریس، مضامین شبکه مضامین و تحلیل مقایسه‌ای است که در این پژوهش از روش تحلیل شبکه مضامین استفاده شده است. در شبکه مضامین که آتراید استرلینگ^۲ (۲۰۰۱) آن را توسعه داده است، مضامین براساس روندی مشخص و در قالب مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر نظام‌مند می‌گردند (عاقلی^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). مراحل پژوهش تحلیل مضمون براساس الگوی براون و کلارک (۲۰۰۶) به شرح زیر

1. Braun
2. Atride Stirling's
- 3 Agheli

می‌باشد: این گام شامل انتخاب موضوع، پژوهش بیان مسئله بیان اهداف و سؤالات پژوهش انتخاب طرح پژوهش، تعیین قلمرو، جامعه و نمونه می‌باشد.

معیار اصلی ورود به پژوهش داشتن دارای تحصیلات دکتری و دانش تخصصی در حوزه مدیریت مالی، دارای سابقه کار و سابقه فعالیت پژوهشی در حوزه مربوطه بود که به صورت هدفمند انجام گرفت. همچنین در این پژوهش داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۱۷ نفر از خبرگان گردآوری گردید. مصاحبه‌ها تا زمان رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد. منظور از اشباع - نظری آن است که نمونه‌گیری تا جایی ادامه می‌یابد که شباهت پاسخ‌های داده شده، منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود نداشته باشد. همچنین در مرحله بعدی پژوهشگر پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها و تکمیل آن با یادداشت‌هایی که طی جلسات مصاحبه برداشته است به مطالعه دقیق و مکرر متن مصاحبه‌ها می‌پردازد و ایده‌های مستقل را در قالب مضامین پایه، شناسایی و به هرکدام یک کد اختصاص شناسایی مضامین پایه، مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر را انتزاع شبکه مضامین را ترسیم می‌نماید. شبکه مضامین روابط میان مضامین را به صورت غیرخطی نشان می‌دهد. در این شبکه هیچ نوع سلسله‌مراتبی میان مضامین وجود ندارد و تأکید بر وابستگی و ارتباط میان اجزای شبکه می‌باشد. پس از ترسیم شبکه مضامین، شبکه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. البته محقق باید این نکته را در نظر داشته باشد که شبکه مضامین ابزار تحلیل است و نه خود تحلیل. پس از ترسیم شبکه مضامین به شکل رضایت‌بخش، پژوهشگر مجدداً به متن اصلی مراجعه و با کمک شبکه آن را تفسیر می‌نماید (عاقلی و همکاران، ۱۴۰۲). در بخش یافته‌های پژوهش به مضامین، شبکه مضامین و تفسیر شبکه به‌طور مفصل پرداخته شده‌است. در این پژوهش برای اطمینان از پایایی پژوهش از روش توافق بین دو کدگذار استفاده شد. بدین صورت که علاوه بر محقق که کدگذاری اولیه را انجام داده است محقق دیگری نیز به صورت جداگانه به کدگذاری یافته‌ها پرداخت. نزدیک بودن این دو کدگذاری توافق را نشان می‌دهد و نشان‌دهنده پایایی است. به‌منظور محاسبه میزان توافق از ضریب کاپا استفاده شد که مقدار آن ۰/۷۵ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل‌قبولی است. همچنین برای اطمینان از روایی پژوهش، علاوه بر به‌کارگیری استراتژی حساسیت پژوهشگر در فرایند پژوهش، یافته‌ها در اختیار سه تن از خبرگان دانشگاهی قرار گرفت و به تأیید ایشان رسید. در فرایند تحلیل مضمون ابتدا مصاحبه‌ها پیاده سازی و سپس با یادداشت‌هایی تکمیل گردید که طی جلسات مصاحبه‌ها برداشته شده بود.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خبرگان در جدول شماره ۱ آورده شده است. در ادامه با مطالعه دقیق و مکرر، متون ابتدا برای هر مصاحبه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه شناسایی و به هرکدام یک کد اختصاص داده شد. البته در صورت وجود بخش‌هایی با مضامین مشابه در متن مصاحبه‌های قبلی از همان کدهای، قبلی به‌عنوان نشانگر آن‌ها استفاده شد. جدول (۲) نشان‌دهنده گزیده‌ای از کدگذاری بر روی متن مصاحبه‌ها است:

جدول ۱. مصاحبه‌شوندگان (در روش کیفی)

کد مصاحبه‌شونده	سن	جنسیت	تحصیلات	سمت سازمانی	مدت زمان مصاحبه	میزان سابقه کار
P1	۴۳	زن	دکتری	هیأت‌علمی	۴۳	بیشتر از ۱۰ سال
P2	۳۹	زن	دکتری	هیأت‌علمی	۳۰	بیشتر از ۱۰ سال
P3	۴۰	زن	دکتری	هیأت‌علمی	۴۰	۵-۱۰ سال
P4	۴۴	زن	دکتری	هیأت‌علمی	۵۴	بیشتر از ۱۰ سال
P5	۳۶	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۳۵	۵-۱۰ سال
P6	۵۴	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۴۳	بیشتر از ۱۰ سال
P7	۴۵	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۴۶	بیشتر از ۱۰ سال
P8	۴۶	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۳۵	بیشتر از ۱۰ سال
P9	۵۷	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۴۱	۵-۱۰ سال
P10	۴۷	مرد	دکتری	هیأت‌علمی	۳۳	بیشتر از ۱۰ سال
P11	۳۷	مرد	ارشد	مدیر ارشد	۴۷	۵-۱۰ سال
P12	۵۶	مرد	کارشناسی	مدیر ارشد	۴۱	بیشتر از ۱۰ سال
P13	۳۷	زن	ارشد	مدیر ارشد	۳۴	بیشتر از ۱۰ سال
P14	۴۷	مرد	کارشناسی	مدیر ارشد	۳۶	بیشتر از ۱۰ سال
P15	۵۱	زن	کارشناسی	مدیر ارشد	۴۶	بیشتر از ۱۰ سال
P16	۴۶	مرد	ارشد	مدیر ارشد	۳۲	بیشتر از ۱۰ سال
P17	۵۶	زن	ارشد	مدیر ارشد	۴۲	بیشتر از ۱۰ سال

جدول (۲) گزیده‌ای از کدگذاری باز بر روی متن مصاحبه‌ها

کد مصاحبه‌شونده	متن مصاحبه	مضامین اولیه
I3	برخی از قراردادهای سرمایه‌گذاری اولیه که امضا کردیم شرایط خیلی سخت‌گیرانه‌ای داشتن، مثلاً در مورد حق خروج یا بازخرید سهم. حالا تو جذب سرمایه جدید، همین بندها جلوی ما رو گرفته و انعطاف‌پذیری مون رو کم کرده.	شرایط قراردادهای سرمایه‌گذار
I7	یکی از چالش‌های مهم ما اینه که در تأمین مالی انعطاف نداریم؛ مثلاً نمی‌تونیم بین وام، سرمایه‌گذاری خطرپذیر یا شراکت، انتخاب آزادانه‌ای داشته باشیم. هر روش مالی یه محدودیت جدید ایجاد می‌کنه	انعطاف‌پذیری تأمین مالی

در نهایت در این پژوهش مضامین اولیه استخراج شد پس از دستیابی به مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر با توجه به مضامین پایه انتزاع شدند. در این مرحله سعی شد تا با سازمان‌دهی مجدد مضامین

اولیه یا مضامین، پایه مضامین انتزاعی تری حاصل شود تا پژوهشگران به مضامین فراگیر تر و مرکزی تری رهنمون شوند در این مرحله ۷۲ مضمون اولیه، ۱۵ مضمون پایه، ۶ مضمون سازمان دهنده و ۱ مضمون فراگیر شناسایی شد که در قالب جدول شماره ۳ ارائه شده‌اند.

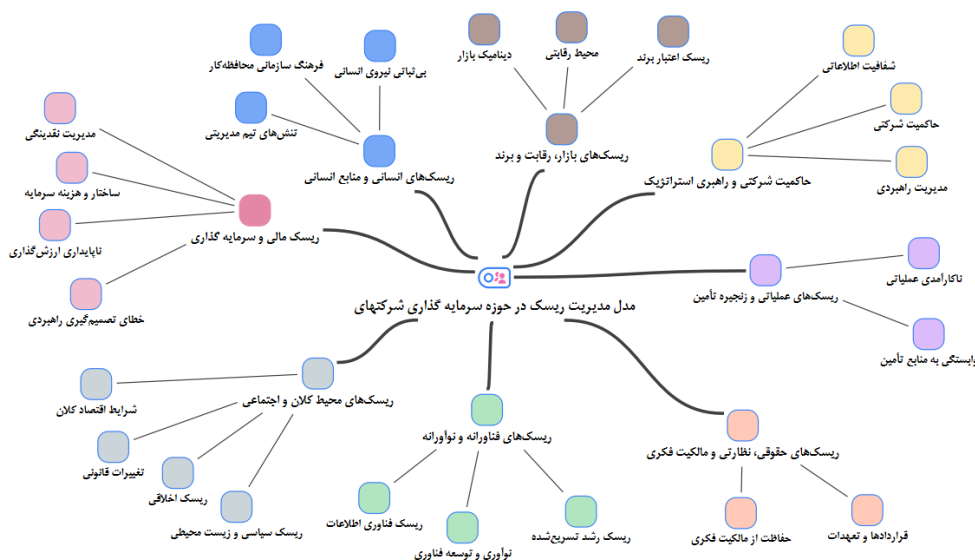
جدول ۳- نتایج تحلیل مضامین

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد اولیه
	مدیریت نقدینگی	نرخ سوخت نقدینگی
		نسبت جاری و آنی
		جریان نقدی عملیاتی
		دسترسی به خطوط اعتباری اضطراری
ریسک مالی و سرمایه گذاری	ساختار و هزینه سرمایه	توانایی جذب سرمایه جبرانی
		میانگین موزون هزینه سرمایه
		نسبت بدهی به حقوق صاحبان سهام
		شرایط قراردادهای سرمایه‌گذار
ناپایداری ارزش گذاری	انعطاف پذیری تأمین مالی	ترکیب سرمایه‌گذاران، سرمایه شرکتی
		نوسانات ارزش گذاری در مراحل مختلف
		اختلاف در روش‌های ارزش گذاری
خطای تصمیم‌گیری راهبردی	حساسیت به نرخ تنزیل	تصمیمات سرمایه‌گذاری غیرمنطبق با بازار
		توسعه محصول بدون تحلیل بازار
		عدم انطباق تصمیمات با داده‌های تحلیلی
ریسک فناوری اطلاعات	ریسک امنیت سایبری	وابستگی به پلتفرم‌های خارجی
		قابلیت اطمینان سیستم‌های فناوری
		هزینه انتقال فناوری
		نسبت هزینه تحقیق و توسعه
ریسک‌های فناورانه و نوآورانه	نوآوری و توسعه فناوری	چرخه تولید نمونه اولیه
		کیفیت مستندات فنی
		وابستگی به نیروهای فنی کلیدی
ریسک رشد تسریع شده	رشد سریع بدون زیرساخت مناسب	ناتوانی در تأمین منابع متناسب با رشد
		شکست در انطباق فرآیندها با حجم عملیات

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه	کد اولیه	
ریسک‌های حقوقی، نظارتی و مالکیت فکری	حفاظت از مالکیت فکری	قراردادهای محرمانگی	
		ریسک نقض حقوق مالکیت معنوی	
	قراردادها و تعهدات	الزامات افشا در بازار سرمایه	
		جریمه‌های احتمالی	
		شرایط بازخرید سهام	
		تعهدات گزارش‌دهی به سرمایه‌گذاران	
		حق تقدم در خرید سهام	
ناکارآمدی عملیاتی	جریمه‌های نقض قرارداد		
	نسبت هزینه به درآمد		
ریسک‌های عملیاتی و زنجیره تأمین	وابستگی به منابع تأمین	ضعف کنترل کیفیت	
		ریسک از دست دادن نیروی کلیدی	
		وابستگی به تأمین‌کنندگان خاص	
	وابستگی به منابع تأمین	تحریم‌ها و محدودیت‌های لجستیکی	
		تحریم‌ها و محدودیت‌های لجستیکی	
		پراکندگی جغرافیایی تأمین	
دینامیک بازار	دینامیک بازار	شرایط قراردادهای بلندمدت تأمین	
		تغییر در ترجیحات مصرف‌کننده	
		نرخ پذیرش محصول توسط بازار	
		رشد بازار	
		حساسیت قیمتی تقاضا	
ریسک‌های بازار، رقابت و برند	محیط رقابتی	سهم بازار و روند رشد	
		تعداد رقبا	
	ریسک اعتبار برند	ریسک اعتبار برند	قدرت چانه‌زنی مشتریان و تأمین‌کنندگان
			استراتژی قیمت‌گذاری رقبا
حاکمیت شرکتی و راهبری استراتژیک	حاکمیت شرکتی	ریسک ورود رقبای جدید با سرمایه زیاد	
		بحران رسانه‌ای یا اجتماعی	
	مدیریت راهبردی	مدیریت راهبردی	بازخورد منفی کاربران در رسانه‌های اجتماعی
			عدم اعتماد سرمایه‌گذاران به شفافیت عملکرد
		ترکیب هیئت‌مدیره	
		تصمیم‌گیری در شرایط بحران	
		سیاست‌های افشای تعارض منافع	
		انعطاف‌پذیری مدل کسب‌وکار	

مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	کد اولیه	
ریسک های محیط کلان و اجتماعی	شفافیت اطلاعاتی	کیفیت برنامه ریزی سناریویی	
		تناسب زمانی عرضه محصول	
		سیستم دریافت بازخورد از بازار	
		سطح شفافیت گزارش ها	
		مدیریت انتظارات سرمایه گذاران	
		ارتباط مؤثر در شرایط بحران	
	شرایط اقتصاد کلان	تغییرات قانونی	ناپایداری اقتصادی
			نوسانات نرخ ارز
			تغییرات قوانین مالیاتی
	ریسک سیاسی و زیست محیطی	ریسک اخلاقی	تغییر در سیاست های دولتی حمایتی
			اثرات بحران های ژئوپولیتیک یا بین المللی
			تغییرات اقلیمی و محیط زیستی
ریسک های انسانی و منابع انسانی	بی ثباتی نیروی انسانی	عدم شفافیت در استفاده از منابع	
		رفتارهای غیر اخلاقی تیم مدیریتی	
		بی توجهی به اصول مسئولیت اجتماعی شرکتی	
		نرخ جابجایی کارکنان	
	تنش های تیم مدیریتی	فرهنگ سازمانی محافظه کار	ناتوانی در جذب استعداد های کلیدی
			نبود سیستم های انگیزشی پایدار
			ضعف در برنامه ریزی جانشین پروری
			تعارض های تیم مؤسس
			تداخل وظایف و مسئولیت ها
			نارضایتی از درصد مالکیت
	فرهنگ سازمانی محافظه کار	فرهنگ سازمانی محافظه کار	اختلاف در سطح تصمیم گیری
			شک و تردید در نیت هم تیمی ها
مقاومت در برابر تغییر			
عدم تطابق ارزش های سازمان با سرمایه گذاران			
		ریسک ناشی از سبک رهبری استبدادی	

به منظور تبیین بهتر دستاورد مقاله مقوله بندی های صورت گرفته در شش دسته زیر قرار داده می شود. در نهایت در گام ششم، تحلیل پایانی و گزارش ارائه می شود. مدل کیفی تحقیق به صورت زیر ارائه می شود.



شکل ۱. الگوی مفهومی مستخرج از بخش کیفی

بحث و نتیجه گیری

در دنیای پرتلاطم و پیچیده امروز، شرکت‌های نوپا به‌عنوان یکی از موتورهای اصلی رشد اقتصادی و نوآوری شناخته می‌شوند. با این حال، ورود و فعالیت این شرکت‌ها در بازار سرمایه، همواره با مجموعه‌ای از ریسک‌های متنوع و پیچیده همراه است که مدیریت آن‌ها نیازمند رویکردی جامع و راهبردی است. تدوین مدل مدیریت ریسک در حوزه سرمایه‌گذاری شرکت‌های نوپا، به‌ویژه با تأکید بر نقش حیاتی مدیریت راهبردی در عصر جدید، می‌تواند راهگشای این شرکت‌ها در مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری هوشمندانه از فرصت‌ها باشد. در این بخش، نتایج پژوهش حاضر در راستای پاسخگویی به این نیاز مهم، به‌صورت منسجم و جامع مورد بررسی قرار می‌گیرد تا چارچوبی کاربردی و علمی برای مدیریت ریسک در شرکت‌های نوپا ارائه شود. اکنون در ادامه، به مرور یافته‌ها، تحلیل نتایج و پیشنهادها کاربردی پرداخته می‌شود تا چارچوبی روشن برای بهره‌برداری از الگوی پیشنهادی فراهم گردد. همچنین نتایج حاصل نشان داد که شامل شامل ۷۲ مضمون اولیه، ۱۵ مضمون پایه، ۶ مضمون سازمان دهنده و ۱ مضمون فراگیر برای طراحی مدل شناسایی شده‌اند.

نتایج نشان داد که:

- مضمون سازمان دهنده ریسک مالی و سرمایه گذاری شامل ۴ مضمون پایه مدیریت نقدینگی، ساختار و هزینه سرمایه، ناپایداری ارزش گذاری، خطای تصمیم گیری راهبردی است. میتوان گفت که نخستین مضمون، مدیریت نقدینگی است که به توانایی شرکت در تأمین جریان های نقدی لازم برای پوشش هزینه های جاری و ایفای تعهدات کوتاه مدت اشاره دارد. شرکت های نوپا به دلیل نداشتن درآمدهای پایدار، معمولاً با چالش کمبود نقدینگی مواجه هستند. ضعف در پیش بینی جریان های نقدی، اتکال بیش از حد به سرمایه گذاران محدود، و نبود برنامه ریزی برای دوره های کم درآمد می تواند پایداری شرکت را تهدید کند و موجب توقف فعالیت ها یا ناتوانی در ادامه مسیر سرمایه گذاری گردد. دومین مضمون، ساختار و هزینه سرمایه است. در شرکت های نوپا، تعیین ترکیب مناسب بین بدهی و حقوق صاحبان سهام برای تأمین مالی یکی از تصمیمات راهبردی و چالش برانگیز است. انتخاب ساختار نامناسب می تواند منجر به افزایش هزینه سرمایه، وابستگی به منابع ناپایدار یا حتی کاهش کنترل مدیریتی مؤسسان شود. از سوی دیگر، نرخ بالای بازده مورد انتظار سرمایه گذاران به دلیل ریسک های ذاتی استارت آپ ها، موجب افزایش هزینه سرمایه و کاهش سودآوری پروژه ها می گردد. سومین مضمون، ناپایداری ارزش گذاری است که به نوسانات و عدم قطعیت های موجود در فرآیند ارزش گذاری شرکت های نوپا مربوط می شود. نبود سوابق مالی قابل اتکا، تغییرات مکرر در مدل کسب و کار، و تأثیرپذیری بالا از محیط خارجی باعث می شود که ارزیابی دقیق ارزش واقعی شرکت با دشواری همراه باشد. ارزش گذاری بیش از حد ممکن است منجر به شکل گیری انتظارات غیرواقعی در سرمایه گذاران و در نهایت ترکیدن حساب سرمایه گذاری شود، در حالی که ارزش گذاری پایین نیز می تواند منابع رشد را از شرکت سلب نماید. چهارمین مضمون، خطای تصمیم گیری راهبردی است که به اشتباهات مدیریتی در فرآیند تصمیم گیری های کلان مالی و سرمایه گذاری بازمی گردد. شرکت های نوپا به دلیل کم تجربه گی در تحلیل ریسک، ممکن است تصمیماتی ناپخته در خصوص زمان ورود به بازار سرمایه، انتخاب ابزارهای تأمین مالی، یا جذب سرمایه گذاران خطرپذیر اتخاذ کنند. این خطاها ممکن است نه تنها منجر به از دست رفتن منابع مالی شوند، بلکه جایگاه رقابتی شرکت را نیز تضعیف نمایند نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، شربان و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد.
- مضمون سازمان دهنده ریسک های فناورانه و نوآورانه شامل ۳ مضمون پایه ریسک فناوری اطلاعات، نوآوری و توسعه فناوری، ریسک رشد تسریع شده است. میتوان گفت که نخستین مضمون، ریسک فناوری اطلاعات است که به مخاطرات ناشی از وابستگی شرکت به زیرساخت ها، نرم افزارها و سیستم های فناوری اطلاعات اشاره دارد. شرکت های نوپا، به ویژه آن هایی که مدل کسب و کارشان مبتنی بر فناوری دیجیتال یا پلتفرم های آنلاین است، با ریسک هایی نظیر نقص امنیتی، حملات سایبری، خرابی سیستم، یا ناتوانی در یکپارچه سازی فناوری ها مواجه اند. چنین اختلالاتی می تواند فعالیت شرکت را متوقف کرده و منجر به از دست رفتن اعتماد مشتریان و سرمایه گذاران شود. دومین مضمون، نوآوری و توسعه فناوری است. نوآوری هرچند عامل مزیت رقابتی است، اما با ریسک های بالقوه نیز همراه است؛ از

جمله شکست در توسعه محصول، عدم انطباق با نیاز بازار، یا تأخیر در عرضه فناوری جدید. شرکت‌های نوپا به‌طور معمول منابع محدودی برای آزمون و خطا دارند و شکست در یک پروژه نوآورانه می‌تواند ضربه جدی به پایداری مالی و جایگاه بازار آن‌ها وارد کند. همچنین فشار برای نوآوری مداوم می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های عجولانه و سرمایه‌گذاری‌های پرریسک شود. سومین مضمون، ریسک رشد تسریع‌شده است. رشد سریع، که در بسیاری از استارت‌آپ‌ها هدف اولیه به‌شمار می‌رود، اگر بدون زیرساخت‌های مدیریتی، فناوریانه و مالی مناسب صورت گیرد، می‌تواند به بحران‌های درون‌سازمانی منجر شود. افزایش سریع مشتریان، پیچیدگی عملیات، توسعه بازارهای جدید، یا ورود به عرصه‌های نو نیازمند آمادگی در حوزه فناوری و منابع انسانی است. در غیر این صورت، رشد سریع ممکن است به ناکارآمدی عملیاتی، افزایش هزینه‌های کنترل‌نشده و نهایتاً شکست منجر شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته‌های بیلالیوف (۲۰۲۲)، لو و همکاران (۲۰۲۱) مطابقت دارد.

- مضمون سازمان دهنده ریسک‌های حقوقی، نظارتی و مالکیت فکری شامل ۲ مضمون پایه حفاظت از مالکیت فکری، قراردادهای و تعهدات است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، حفاظت از مالکیت فکری است که برای شرکت‌های نوآور بسیار حیاتی است. محصولات و خدمات این شرکت‌ها معمولاً بر پایه نوآوری‌های فناوریانه، نرم‌افزارها، طرح‌ها و مدل‌های کسب‌وکار منحصربه‌فرد بنا شده‌اند که نیازمند ثبت و حفاظت قانونی هستند. در صورت عدم ثبت اختراعات، علائم تجاری، یا اسرار تجاری، رقبای بالقوه می‌توانند از نوآوری‌ها سوءاستفاده کرده و بازار هدف شرکت را تحت تأثیر قرار دهند. علاوه بر این، ورود به بازارهای بین‌المللی بدون حفاظت مناسب از دارایی‌های فکری می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد، از جمله سرقت فناوری یا طرح‌ها توسط رقبای دومین مضمون، قراردادهای و تعهدات است که به ریسک‌های ناشی از توافقات حقوقی میان شرکت با سرمایه‌گذاران، شرکای تجاری، تأمین‌کنندگان، و کارکنان اشاره دارد. در مراحل ابتدایی فعالیت، بسیاری از شرکت‌های نوپا به دلیل محدودیت در منابع یا تجربه، اقدام به تنظیم قراردادهایی می‌کنند که از لحاظ حقوقی دارای ضعف‌هایی هستند یا ابهاماتی در آن‌ها وجود دارد. این موضوع می‌تواند در آینده منجر به اختلافات حقوقی، دعاوی مالی، یا حتی از دست رفتن مالکیت بر دارایی‌ها و کنترل شرکت شود. عدم رعایت تعهدات قانونی، مالیاتی یا نظارتی نیز می‌تواند جریمه‌ها، تعلیق مجوزها یا کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران را به دنبال داشته باشد. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته‌های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، حیدرزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

- مضمون سازمان دهنده ریسک‌های عملیاتی و زنجیره تأمین شامل ۲ مضمون پایه ناکارآمدی عملیاتی، وابستگی به منابع تأمین است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، ناکارآمدی عملیاتی است که اشاره به ضعف در برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل فرآیندهای درون‌سازمانی دارد. در بسیاری از استارت‌آپ‌ها، به دلیل کم‌تجربگی تیم مدیریتی یا فقدان ساختارهای استاندارد عملیاتی، فعالیت‌ها به‌صورت پراکنده، غیرهماهنگ و واکنشی انجام می‌شود. این ناکارآمدی ممکن است در قالب تولیدات ناقص، تأخیر در تحویل خدمات، کاهش کیفیت محصول یا حتی

اتلاف منابع نمود یابد. از سوی دیگر، نبود سیستم های اطلاعاتی مؤثر و فرآیندهای استاندارد می تواند باعث عدم شفافیت و کاهش توان پاسخ گویی به تغییرات بازار گردد. دومین مضمون، وابستگی به منابع تأمین است که به میزان اتکای شرکت به تأمین کنندگان خاص، مواد اولیه محدود، یا خدمات بیرونی اشاره دارد. این وابستگی برای شرکت های نوپا که هنوز زنجیره تأمین متنوع و پایدار ندارند، می تواند منبع مهمی از ریسک باشد. اختلال در عملکرد تأمین کننده، افزایش ناگهانی قیمت ها، محدودیت های واردات یا تغییر شرایط بازار می تواند فرآیند تولید یا ارائه خدمت شرکت را با وقفه یا بحران مواجه سازد. در مواردی، این وابستگی حتی ممکن است منجر به از دست رفتن مشتریان کلیدی یا فرصت های سرمایه گذاری شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، حیدرزاده اقدم و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

مضمون سازمان دهنده ریسک های بازار، رقابت و برند شامل ۳ مضمون پایه دینامیک بازار، محیط رقابتی، ریسک اعتبار برند است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، دینامیک بازار است که به تغییرات سریع و پیش بینی ناپذیر در نیازها، رفتار مشتریان، روندهای فناورانه، و سیاست های اقتصادی اشاره دارد. بازارهای نوظهور، به ویژه برای شرکت های نوپا، دارای نوسانات شدیدی هستند که می تواند مسیر رشد و برنامه ریزی های راهبردی را با اختلال مواجه کند. عواملی مانند تغییر نرخ ارز، تحول در ترجیحات مصرف کنندگان یا ظهور فناوری های جایگزین ممکن است ارزش محصولات یا خدمات شرکت را کاهش داده و مزیت رقابتی آن را از بین ببرد. دومین مضمون، محیط رقابتی است. شرکت های نوپا اغلب وارد بازارهایی می شوند که بازیگران قدرتمند و تثبیت شده ای در آن حضور دارند. این رقبا از منابع مالی، برند معتبر، شبکه توزیع گسترده و تجربه بهره مندند و می توانند با سرعت به تهدیدات واکنش نشان دهند. در چنین شرایطی، شرکت های نوپا ممکن است در جذب مشتری، سهم بازار یا سرمایه گذار ناکام بمانند. رقابت شدید می تواند باعث جنگ قیمتی، فشرده شدن حاشیه سود و فشار مضاعف بر نوآوری و تبلیغات شود. سومین مضمون، ریسک اعتبار برند است. اعتبار برند برای شرکت های نوپا، که هنوز در مرحله تثبیت هویت خود هستند، بسیار شکننده و حیاتی است. هرگونه ناراضی مشتری، اختلال در خدمات، شکست در تحویل وعده ها یا حتی انتقادات در فضای مجازی می تواند به تضعیف برند و از بین رفتن اعتماد مخاطبان منجر شود. در بازار سرمایه، جلب اعتماد سرمایه گذاران تا حد زیادی به تصویر برند و اعتبار آن در ذهن افکار عمومی و تحلیلگران بستگی دارد، و آسیب دیدگی در این حوزه می تواند مانع از جذب سرمایه یا توسعه بازار گردد. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته های شربان و همکاران (۲۰۲۳)، بیلالیوف (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

مضمون سازمان دهنده حاکمیت شرکتی و راهبری استراتژیک شامل ۳ مضمون پایه خط مشی حاکمیت شرکتی، مدیریت راهبردی، شفافیت اطلاعاتی است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، خط مشی حاکمیت شرکتی است. این مضمون به اصول، ساختارها و فرآیندهای مدیریتی اشاره دارد که بر مبنای آن ها شرکت هدایت و کنترل می شود. وجود هیئت مدیره کارآمد، توازن در اختیارات و مسئولیت ها، نظارت بر عملکرد مدیریت اجرایی، و رعایت حقوق سهام داران از جمله

مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند اعتماد سرمایه‌گذاران را تقویت کرده و از بروز سوءمدیریت یا تضاد منافع جلوگیری کنند. در شرکت‌های نوپا، عدم توجه به حاکمیت شرکتی اغلب منجر به تصمیم‌گیری‌های شخصی، بی‌ثباتی در ساختار مالکیت و تعارض میان مؤسسان و سرمایه‌گذاران می‌شود. دومین مضمون، مدیریت راهبردی است. در محیطی که شرکت‌های نوپا با محدودیت منابع، عدم قطعیت و رشد سریع مواجه‌اند، مدیریت راهبردی نقش تعیین‌کننده‌ای در بقا و پیشرفت آن‌ها دارد. این مدیریت باید بر مبنای تحلیل محیط بیرونی، شناخت رقبا، ظرفیت‌های درونی، و چشم‌اندازهای آینده، برنامه‌ریزی کند و منابع را به‌گونه‌ای تخصیص دهد که ارزش آفرینی بلندمدت تضمین شود. ضعف در مدیریت راهبردی می‌تواند باعث تصمیم‌گیری‌های کوتاه‌مدت، پراکندگی در اهداف و عدم تمرکز بر مزیت رقابتی گردد. سومین مضمون، شفافیت اطلاعاتی است. شفافیت در گزارش‌دهی مالی، عملکردی و مدیریتی یکی از ارکان اساسی حاکمیت خوب و نیز جلب اعتماد سرمایه‌گذاران است. شرکت‌های نوپا باید به‌ویژه در فرآیند ورود به بازار سرمایه، اطلاعات قابل اتکا، منسجم و به موقع در اختیار ذی‌نفعان قرار دهند. هرگونه ابهام، عدم شفافیت یا پنهان‌کاری می‌تواند به کاهش ارزش برند، افت قیمت سهام، یا حتی ترک سرمایه‌گذاران بالقوه منجر شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته‌های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، تقوا و همکاران (۱۴۰۰) مطابقت دارد.

• مضمون سازمان دهنده ریسک‌های محیط کلان و اجتماعی شامل ۴ مضمون پایه خط شرایط اقتصاد کلان، تغییرات قانونی، ریسک سیاسی و زیست محیطی، ریسک اخلاقی است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، شرایط اقتصاد کلان است. متغیرهایی نظیر نرخ تورم، نوسانات نرخ ارز، رکود اقتصادی، نرخ بهره و بیکاری، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های مالی و راهبردی شرکت‌های نوپا ایفا می‌کنند. در فضای اقتصادی بی‌ثبات، پیش‌بینی‌پذیری کاهش می‌یابد و جذب سرمایه‌گذاری یا تأمین مالی دشوار می‌شود. بسیاری از شرکت‌های نوپا در چنین شرایطی توان تاب‌آوری اقتصادی ندارند و دچار توقف یا کاهش شدید رشد می‌شوند. دومین مضمون، تغییرات قانونی است. قوانین مربوط به بازار سرمایه، مالیات، ثبت شرکت‌ها، کار و بیمه و حتی مقررات نوآوری و فناوری به سرعت در حال تحول‌اند. شرکت‌های نوپا به دلیل منابع محدود و تخصص حقوقی کمتر، بیشتر در معرض آسیب از تغییر ناگهانی قوانین قرار دارند. نبود ثبات در مقررات یا تفسیرهای متناقض می‌تواند فرآیندهای کسب‌وکار را مختل کرده یا منجر به جریمه و هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده شود. سومین مضمون، ریسک سیاسی و زیست محیطی است. بی‌ثباتی سیاسی، تحریم‌ها، تنش‌های بین‌المللی یا تغییر در سیاست‌های حمایتی دولت می‌توانند بر فضای کسب‌وکار اثر منفی بگذارند. از سوی دیگر، حساسیت روزافزون نسبت به مسائل زیست محیطی، شرکت‌ها را ملزم به رعایت استانداردهای سبز و مسئولیت‌های اجتماعی می‌سازد. عدم رعایت این الزامات ممکن است منجر به واکنش منفی از سوی جامعه، رسانه‌ها یا نهادهای نظارتی گردد. چهارمین مضمون، ریسک اخلاقی است که به نگرانی‌ها و الزامات مرتبط با رفتارهای مسئولانه و اخلاق‌مدار در سطح اجتماعی اشاره دارد. در دنیای امروز، مصرف‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و نهادهای نظارتی به شدت نسبت به شفافیت، صداقت، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محیطی شرکت‌ها حساس هستند. نقض ارزش‌های اخلاقی یا نادیده گرفتن مسئولیت‌های اجتماعی،

حتی در شرکت های نوپا، می تواند به بحران اعتبار، تحریم اجتماعی یا حتی حذف از بازار منجر شود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، بیلیالوف (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

• مضمون سازمان دهنده ریسک های انسانی و منابع انسانی شامل ۳ مضمون پایه خط بی ثباتی نیروی انسانی، تنش های تیم مدیریتی، فرهنگ سازمانی محافظه کار است.

میتوان گفت که نخستین مضمون، بی ثباتی نیروی انسانی است. در شرکت های نوپا، حفظ نیروی انسانی توانمند، چالش برانگیز است؛ چرا که محدودیت در منابع مالی، عدم قطعیت آینده شغلی، و نبود مسیرهای شغلی مشخص، انگیزه کارکنان برای ماندگاری را کاهش می دهد. خروج کارکنان کلیدی یا متخصص، به ویژه در مراحل بحرانی رشد یا توسعه محصول، می تواند به توقف پروژه ها، اختلال در عملیات و از بین رفتن دانش ضمنی منجر شود. این بی ثباتی ممکن است حتی اعتماد سرمایه گذاران را نیز کاهش دهد. دومین مضمون، تنش های تیم مدیریتی است. یکی از ویژگی های رایج شرکت های نوپا، تمرکز زیاد تصمیم گیری در تیم مؤسس است که در صورت نبود شفافیت نقش ها، تضاد منافع یا ناهماهنگی دیدگاه ها، منجر به بروز تنش های جدی میان اعضای کلیدی می شود. چنین اختلافاتی می تواند تمرکز سازمان را از اهداف راهبردی منحرف کرده و محیطی بی ثبات و ناکارآمد ایجاد کند. از آن جایی که سرمایه گذاران اغلب به تیم مدیریتی به عنوان مهم ترین دارایی شرکت نوپا نگاه می کنند، وجود چنین تنش هایی ریسکی جدی برای جذب سرمایه محسوب می شود. سومین مضمون، فرهنگ سازمانی محافظه کار است. یکی از ریسک های پنهان در حوزه منابع انسانی، شکل گیری فرهنگی است که نوآوری، انعطاف پذیری و یادگیری سازمانی را سرکوب می کند. شرکت های نوپا به دلیل سرعت بالای تغییرات محیطی، نیازمند فرهنگ هایی پویا، مبتنی بر آزمون و خطا و پذیرای ایده های جدید هستند. اما در برخی موارد، به ویژه در اثر انتقال تجربیات نامناسب از سازمان های سنتی یا نبود رهبری تحول گرا، فرهنگی محافظه کار، بسته و مقاوم در برابر تغییر شکل می گیرد که مانعی جدی بر سر راه رشد و خلق ارزش خواهد بود. نتایج بدست آمده در این تحقیق با یافته های سیلوا و همکاران (۲۰۲۳)، شربان و همکاران (۲۰۲۳) مطابقت دارد.

پیشنهادها

◀ با توجه به ناپایداری ارزش گذاری، ساختار پریسک سرمایه و احتمال خطای تصمیم گیری، لازم است شرکت های نوپا از ابزارهای تحلیلی چون تحلیل حساسیت، مدل های پیش بینی نقدینگی و تحلیل هزینه-فایده برای تصمیم گیری های مالی استفاده کنند. این ابزارها باید به صورت مستمر به روزرسانی و با محیط بازار تطبیق داده شوند.

◀ شرکت های نوپا باید مکانیزم هایی برای ارزیابی فناوری های نوظهور، بررسی چرخه عمر فناوری، و شناسایی ریسک های مرتبط با توسعه سریع محصول پیاده سازی کنند. استفاده از مشاوران فناورانه و ایجاد واحدهای تحقیق و توسعه منعطف می تواند اثربخش باشد.

- ◀ پیشنهاد می‌شود شرکت‌ها از خدمات حقوقی تخصصی در زمینه ثبت اختراعات، علائم تجاری و تنظیم قراردادهای سرمایه‌گذاری و همکاری بهره بگیرند تا از اختلافات آینده پیشگیری شود.
- ◀ با توجه به ناکارآمدی عملیاتی و وابستگی شدید به تأمین‌کنندگان خاص، توصیه می‌شود شرکت‌ها استراتژی‌های تنوع‌بخشی به تأمین‌کنندگان، ایجاد موجودی استراتژیک و دیجیتالی‌سازی زنجیره تأمین را در اولویت قرار دهند.
- ◀ شرکت‌های نوپا باید واحدی برای رصد بازار، تحلیل رقبا و مدیریت شهرت برند ایجاد کنند. سرمایه‌گذاری در بازاریابی دیجیتال، مدیریت تجربه مشتری و ساختاردهی به هویت برند، نقش مهمی در کاهش ریسک‌های بازار و رقابت ایفا می‌کند.
- ◀ وجود ساختارهای نظارتی مستقل، هیئت مدیره پاسخگو و گزارش‌دهی شفاف به سرمایه‌گذاران می‌تواند ریسک‌های راهبری را کاهش دهد. تدوین آیین‌نامه‌های داخلی، ایجاد کمیته‌های تخصصی و برقراری نظم اطلاعاتی منظم توصیه می‌شود.
- ◀ شرکت‌های نوپا باید در زمینه توسعه مهارت‌های نرم، آموزش مدیران میانی، و ارتقای وفاداری کارکنان سرمایه‌گذاری کنند. همچنین طراحی نظام جبران خدمات انگیزشی و ایجاد فضای مشارکتی، مانع از تنش‌های مخرب در تیم‌های کاری خواهد شد.
- ◀ در نهایت، پیشنهاد می‌شود مدیریت راهبردی به‌صورت ساختاریافته در قالب چشم‌انداز، مأموریت، تحلیل محیطی و انتخاب راهبردهای رقابتی، در تمامی سطوح شرکت‌های نوپا جاری شود. استفاده از ابزارهایی مانند نقشه استراتژی، کارت امتیازی متوازن و برنامه‌ریزی سناریو می‌تواند به کاهش ریسک و افزایش انعطاف‌پذیری شرکت کمک کند.

فهرست منابع

- عاقلی، میثم؛ نیک‌منش، شمس‌الدین؛ رشیدی، حسن و جلالی، پریسا. (۱۴۰۲). نگارش پایان‌نامه و مقاله نویسی، چاپ اول، تهران: موسسه کتاب‌دیارگران.
- حیدرزاده اقدم، نرجس؛ شاهوردیانی، شادی؛ تبریزیان، بیتا. (۱۴۰۰). ارائه الگوی مدیریت ریسک در بانکداری دیجیتال - رویکرد عقلانی. فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری. ۱۰ (۳۷): ۴۸۹-۵۱۵.
- سوری، علی؛ عبوضی‌حشمت، علی‌اصغر؛ ثانوی‌فرد، رسول. (۱۴۰۰). طراحی مدل مدیریت ریسک کیفی محیطی در زنجیره تأمین بر عملکرد مالی و کیفی شرکت ایران خودرو. فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای). ۱۱ (۴): ۴۴۹-۴۷۱.
- قادری، صلاح‌الدین؛ تاری‌وردی، یداله. (۱۳۹۹). مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن در کنترل مؤثر ویژگی‌های سود شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی. ۱۲ (۴۶): ۷۷-۱۰۶.

هاشمی، مریم؛ لطفی، محمدمهدی؛ وحدت زاد، محمد علی. (۱۳۹۸). چارچوبی کمی برای انتخاب راهبردهای پاسخ به ریسک در شرکت های نوپا (مطالعه‌ی موردی: نانوفناوری). مهندسی صنایع و مدیریت. ۸ (۳۵). ۹۹-۱۱۰.

- Bellavitis Cristiano, Kamuriwo Dgidziso Samuel, Hommel Ulrich. (2017). Mitigating agency risk between investors and ventures' managers. *Journal of General Management*, Volume: 43 issue: 1. 33-43.
- Bielialov, T. (2022). Risk Management of Startups of Innovative Products. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(5), 202.
- Bowers, John, and Alireza Khorakian. (2015). "Integrating risk management in the innovation project." *European Journal of innovation management* 17, no. 1: 25-40.
- Buchner Axel, Abdulkadir Mohamed, Schwienbacher Armin. (2017). Diversification, risk, and returns in venture capital. Elsevier Inc, *Journal of Business Venturing*. 2-5.
- Cubukcu, C., Gulsecen, S., & Tayali, S. (2017). Risk Management in Startups: How Using Lean Principles Helps Startups Manage Their Risks More Efficiently. In Conference: International Conference on Engineering Technologies (ICENTE'17).
- Davis Gardner, Guye Richard. (2018). Venture Capital Firms and Their Portfolio Company Directors Face Risk of Liability for Conflicts of Interest. *The Bureau of National Affairs, Inc.* 1-3.
- Farhat, J., Matusik, S., Robb, A., Robinson, D. T., (2017). "New directions in entrepreneurship research with the Kauffman Firm Survey", *Small Business Economics*, Page 1-12.
- Nadali, A., Grilo, A., & Zutshi, A. (2018). A conceptual framework of risk identification for scale up companies in transition period. In *Proceedings of the International Conference on Industrial Engineering and Operations Management, IEOM 2018 (Vol. 2018, pp. 2346-2357)*. IEOM Society.
- Polishchuk, V., Kelemen, M., Gavurová, B., Varotsos, C., Andoga, R., Gera, M., ... & Szabo Jr, S. (2019). A fuzzy model of risk assessment for environmental start-up projects in the air transport sector. *International journal of environmental research and public health*, 16(19), 3573.
- Proenca, D., Nadali, A. and Borbinha, J., (2014). 'A Pragmatic Risk Assessment Method Supported by the Business Model Canvas', 17th International Conference on Enterprise Information Systems (ICEIS), Barcelona.
- Proksch Dorian, Stranz Wiebke, Pinkwart Andreas, Schefczyk Michael. (2016). Risk management in the venture capital industry: Managing risk in portfolio companies. *The Journal of Entrepreneurial Finance*, Volume 18. 2-10.
- Pukala, R., Sira, E., & Vavrek, R. (2018). Risk management and financing among start-ups.
- Räty, K. (2019). Risk Management in Venture Capital Companies (Master's thesis).
- Agheli, M., NikMenesh, Sh., Rashidi, H., & Jalali, P. (2023). Training on thesis writing and scientific article writing. first edition, Tehran: Dibagaran Book Institute. (In Persion)
- SERBAN, C., NEGRUTIU, C., & BICHEL, A. N. (2023). To Invest or not to Invest: The Start-Up Investment Decision-Making Process. *Management and Economics Review*, 8(2), 170-179.
- Silva Júnior, C. R., Siluk, J. C. M., Neuenfeldt-Júnior, A. L., Francescato, M. B., & Michelin, C. D. F. (2023). Mapping Risks Faced by Startup Investors: An Approach Based on the Apriori Algorithm. *Risks*, 11(10), 177.

**Developing a management model in the field of investment
in start-up companies in the capital market (focusing on the
role of strategic management in the new era
(Method :content analysis)**

Forough Adiban

Department of Accounting, il.c., Islamic Azad University, Ilam, Iran
Sadiban1400@gmail.com

Reza Seidkhani

Department of Accounting , il.c., Islamic Azad University, Ilam, Iran
(Corresponding Author)
Rseidkhani@gmail.com

Rahmatollah Mohammadipour

Department of Accounting , il.c., Islamic Azad University, Ilam, Iran
rm.accounting2@gmail.com

Fateme Ahmadi

Department of Accounting, il.c., Islamic Azad University, Ilam, Iran
fatemehahmady60@gmail.com

Abstract

Objective: In today's turbulent and competitive world, startups are more exposed than ever to numerous risks that can threaten their survival. Therefore, the aim of this study is to develop a risk management model in the field of startup investment in the capital market, emphasizing the role of strategic management in the new era. **Method:** The present study was conducted with a qualitative approach and, in terms of purpose, is an applied research and using the content analysis method. The experts included faculty members and senior managers of startups, and the interviewees included 17 people who were selected through purposive sampling until reaching theoretical saturation. Data were collected using semi-structured interviews. To ensure validity and reliability, the findings were confirmed by the interviewees. In order to analyze the data, the Brown and Clark method was used with Max QDA software. **Findings:** The results of the interview analysis included 72 primary themes, 15 basic themes, 6 organizing themes, and 1 overarching theme. These included financial and investment risks, technological and innovative risks, legal, regulatory, and intellectual property risks, operational and supply chain risks, market, competition, and brand risks, corporate governance and strategic management, macro and social environmental risks, human and human resource risks. **Results:** This model can be used as a practical framework for investors, financial institutions, and policymakers to improve the quality of investment decisions in the field of innovation.

Keywords: risk management*startups *capital markets *strategic management *content analysis